

انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب چهارشنبه

عنوان: انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب جهانی شدن «همسویی، تقابل یا تعامل»

نویسنده: دکتر حسین پور احمدی

چاپ اول: ۱۳۸۶

ناشر: عروج، ۴۶۴ صفحه

میرادحسین الوندی



تأثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل بدون این که بر تقدم و تأخر از هر یک به لحاظ اصولی و ساختاری اصرار داشته باشد میان روند تحولات جهانی شدن از یک سو و نظام جمهوری اسلامی از سوی دیگر با تکیه بر شناخت هر چه بهتر و بیشتر زمینه‌های بهره‌مندی ایران از امتیازات جهانی شدن در جهت رشد، گسترش و تقویت روزافزون توانمندی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور است.

سپس با گذر از طرح موضوع نخست، مفاهیم عمده و ابعاد چندگانه‌ی موضوع، شامل جهانی شدن و جمهوری اسلامی را به‌طور مختصر بررسی کرده و در ادامه سؤالات فرضیه و در پی آن روش‌شناسی نوشتار را معرفی می‌کند.

مؤلف واژه‌ی «جهانی شدن» را در تعریف مفهومی عبارت از: «در هم ادغام شدن، همگرایی و یکپارچگی عوامل نظام اقتصاد بین‌المللی و بازارهای جهانی در زمینه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، جابه‌جایی و انتقال سرمایه و نیروی کار در تولید» می‌داند و در تعریف کاربردی می‌نویسد:

کتاب حاضر که به کوشش دکتر حسین پور احمدی در ۴۶۴ صفحه نگارش یافته و توسط مؤسسه‌ی چاپ و نشر عروج برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ به رشته‌ی تحریر درآمده، مشتمل بر ۹ فصل به انضمام سخن ناشر، پیشگفتار و کلیات در آغاز و فهرست تفصیلی، اشخاص و منابع است.

مؤلف در مقدمه ابتدا به سیاق آثار پژوهشی به طرح موضوع پرداخته و هدف کتاب را طرح یک سؤال کلی پیرامون ابعاد گوناگون و تأثیرات احتمالی جهانی شدن بر مدلی خاص از جامعه‌ی بشری برآمده از انقلاب اسلامی و به طور دقیق‌تر به نظام جمهوری اسلامی در ایران و تحولات احتمالی در این زمینه معرفی می‌کند.

در واقع توجه به ابعاد و شناخت بازتاب‌های عمومی جهانی شدن بر نظام دولت و الگوهای وسیع حاکمیت و جنبه‌های متفاوت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در ایران هدف اصلی این کتاب است. آن چه که مورد تأکید ویژه و دارای جایگاه محوری در این کتاب است، تلاش در جهت فهم و ارائه‌ی چشم‌انداز عینی در رابطه با

«جهانی شدن ناظر بر فرآیندهای تاریخی است که ضمن تغییر در سازماندهی محیطی و فضایی روابط و کنش‌های اجتماعی، شبکه‌های فراراه‌ای و بین‌المللی از تعاملات و کاربست قدرت ایجاد نموده است.» (صص ۶-۷)

«جمهوری اسلامی ایران» به طور طبیعی و لاجرم دارای تعاملات و روابط متقابل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با دنیای پیرامون خود است و بدین ترتیب در روابط با نظام جهانی اثرپذیر و حتی اثرگذار است. لذا هرچه مبانی الهی و معنوی حکومت جمهوری اسلامی بیشتر عینیت یافته و تقویت گردند، اثرپذیری خصوصاً به دلیل جایگاه نسبتاً ضعیف سیاسی و اقتصادی ایران در نظام اقتصادی سیاسی سرمایه‌داری جهانی، بیشتر می‌شود. (ص ۲۳)

در مطالعه و ارزیابی موضوع این کتاب، روش توصیفی توضیحی با بهره‌مندی از مطالعات و تحلیل‌های تاریخی و نیز بکارگیری داده‌های آماری و منابع کتابخانه‌ای به بررسی موضوع و پاسخ به سؤالات بر آمده است. (ص ۲۶)

سؤال اساسی در این کتاب عبارت است از «جهانی شدن چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند و این کشور چگونه می‌تواند روابط خود را با این فرآیند تنظیم کند؟» سؤالات فرعی هم از این قرارند:

- فرآیند جهانی شدن چه تاثیری را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر نظام جمهوری اسلامی بر جا می‌گذارد؟
- جهانی شدن چه امتیازات و چه محدودیت‌هایی را فراسوی نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد؟
- چگونه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از مزایای جهانی شدن بهره‌مند گردیده و در مقابل چالش‌های آن مقاومت کند و یا اثرات این چالش‌ها را کاهش دهد؟

فصل اول تاثیر جهانی شدن بر حوزه معرفت‌شناختی، انقلاب اسلامی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و جایگاه این انقلاب را در متن جهانی شدن به طور مختصر بررسی می‌کند و از آن طریق تهدیداتی را که فراروی جنبه‌های هویتی انقلاب اسلامی است تمیز خواهد داد.

فصل دوم به بررسی تاریخی و نظری بازتاب اندیشه‌ای مدرنیسم و مدرنیته به عنوان محصول توسعه‌ی جامعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سکولار در غرب ایران به ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. در این فصل ابتدا به ورود و ظهور تفکر مدرنیته در ایران قبل از انقلاب پرداخته شده و سپس هویت ایرانی متأثر از انقلاب اسلامی و اندیشه‌ی نوین آن در ارائه مدل متمایز نوگرایی فرهنگی با تکیه بر معرفت‌شناسی دینی (شیعی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمت سوم سکولاریزم به عنوان یکی از مهم‌ترین

دستاوردهای مدرنیسم مورد اشاره قرار می‌گیرد. در فصل سوم تلاش می‌شود تا به نتایج فرآیند جهانی شدن در حوزه‌ی فرهنگ و هویت پرداخته شود.

در فصل چهارم چگونگی برخورد با این مسأله که جهانی شدن پدیده‌ای جدید است یا باید آن را روند رو به رشد حاکمیت بلامنازع و سلطه امپریالیسم نامید می‌پردازد.

قسمت اول این فصل جهانی شدن از پایین و قسمت دوم جهانی شدن از بالا را بازخوانی می‌کند و در قسمت سوم جهانی شدن را در آیین فرصت و تهدید مورد بررسی قرار می‌دهد.

در فصل پنجم با ارائه‌ی چشم‌اندازی جدید از فرآیند جهانی شدن و جایگاه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. به همین منظور در قسمت اول به توضیح مختصر مؤلفه‌های شش‌گانه‌ی تعیین‌کننده‌ی جایگاه هر یک از کشورها در فرآیند جهانی شدن از لحاظ فرصت و تهدید می‌پردازد.

در قسمت بعدی به بررسی موقعیت جمهوری اسلامی در جهان با توجه به این مؤلفه‌ها اقدام می‌کند. در قسمت سوم نیز به بازخوانی سیاست خارجی کشورمان در عرصه‌ی تحولات منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد. پایان این فصل به ارائه‌ی راهکارهای لازم اختصاص دارد.

فصل ششم؛ «استراتژی تعدیل» مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا موضوعات بررسی استراتژی تعدیل ارائه شده از سوی صندوق بین‌المللی پول، سیاست‌های تعدیل در جمهوری اسلامی و بررسی برنامه‌ی پنج ساله توسعه و ارزیابی صندوق بین‌المللی پول در ایران مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در فصل هفتم؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و بازبینی قرار می‌گیرد. در قسمت اول این فصل، شرایط عمومی و جاری بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و در قسمت دوم، روند سرمایه‌گذاری مستقیم در جهان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و در قسمت سوم، این روند در جمهوری اسلامی ایران و در قسمت چهارم، عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان فصل نیز برخی راهکارها به منظور جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی ارائه شده است.

در فصل هشتم؛ به این سؤال پاسخ داده است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند به عضویت دائم سازمان تجارت جهانی درآید؟ در این فصل ابتدا تصویری اجمالی از نظام اقتصاد جهانی و الزامات، ابعاد و تبعات تعامل با آن ترسیم شده و در قسمت بعدی به معرفی کارکرد و جایگاه و نیز سیر تحولات ظهور و تقویت سازمان تجارت جهانی و موقعیت ایران در پیوستن به این سازمان پرداخته و در قسمت سوم به طرح دیدگاه‌های متفاوت و متعارض در این رابطه را مورد

بحث قرار داده و در پایان نیز به ارائه راهکارهای عملی در این راستا اقدام نموده است.

در فصل نهم بر اساس نتایج حاصله از مطالعات انجام گرفته در فصول گذشته ضمن ارائه خلاصه و گزیده مطالب آن فصول، به نتایج عمده و اساسی کاربردی به دست آمده از این مطالعات پرداخته است و در نهایت به بیان راهکارها و ضرورت‌های استراتژیک در تدوین نوین رفتارهای جمهوری اسلامی ایران همت گماشته است.

نتایج به دست آمده از مطالب و مباحث

گزیده و خلاصه‌ی کاربردی آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است به طور اختصار چنین است: در این کتاب برای بررسی تأثیر فرآیند جهانی شدن بر جمهوری اسلامی ایران متأثر از انقلاب اسلامی آن را در سه مقوله‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده است.

جهانی شدن سیاست

تحولات جدید جهانی بر اساس دیدگاه لیبرالیسم موجب سه تغییر اساسی شده است. ارجحیت دموکراسی بر اریستوکراسی، ارجحیت تجارت آزاد بر خودکفایی، ارجحیت امنیت دسته جمعی بر موازنه‌ی قدرت.

به طور کلی می‌توان گفت که تعامل جمهوری اسلامی ایران با این تحولات نیازمند دو جزء ایدئولوژیک و استراتژیک است. از لحاظ ایدئولوژیک منافع ملی جمهوری اسلامی ایجاب می‌کند که دو عامل امنیت‌جویی و عدالت‌جویی در هم تلفیق شود. ایران می‌تواند به دو مولفه‌ی (انسانی-نهادی) ارزشی فوق، پایدار بماند و نوع جدیدی از موازنه‌ی مثبت را تحت عنوان موازنه‌ی مثبت فعالانه مطرح می‌کند.

به لحاظ منزلت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتی منطقه‌ای در قالب ساختار سیاسی، نظامی و فرهنگی متأثر از آرمان‌های انقلاب اسلامی ظاهر شده است. با قرار گرفتن در این منزلت، ایران می‌تواند به جای برخورد با نظام جهانی برای ارتقای قدرت ملی از داخل اقدام کند.

ایران می‌تواند با بهره‌مندی از تمامی توانایی‌های بی‌نظیر و قدرتمند و با تکیه بر منزلت استراتژیک خود، تلاش کند تا در فرآیند جهانی شدن منزلت مناسبی برای کشور کسب کند.

«کاهش حاکمیت دولت - ملت»، «در هم شدن مرزها»، «خلق هویت‌های جدید فراتر و فرورتر از انگاره‌های ملی»، «جهانی شدن دموکراسی و حقوق بشر» چهار مؤلفه‌ی اساسی جهانی شدن سیاست هستند که اکنون اغلب کشورهای جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

ساختارها و توانایی‌های بالقوه‌ی کشورها، طرز تلقی نخبگان جوامع از جهانی شدن و ساخت‌های ذهنی و عینی جوامع و دولت‌ها از جمله

عواملی هستند که رابطه میان جهانی شدن و کشورها را بسته به جایگاه آنان خاص و منحصر بفرد می‌سازند. چنین پیش فرضی در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز صادق است.

در عین حال مؤلفه‌های درونی ساختار قدرت و سیاست در ایران نیز تأثیرات جهانی شدن بر این کشور را چند بعدی و چند وجهی می‌سازند. بنابراین نمی‌توان فرجامی محتوم برای جهانی شدن در نظر گرفت که به واسطه‌ی آن بتوان تحولات آینده سیاست در ایران را توصیف و تفسیر کرد. این دو، متغیرهایی هستند که عمیقاً به همدیگر وابسته‌اند. درک چنین وضعیتی باعث شده است تا نوع مواجه نخبگان سیاسی در ایران با پدیده‌ی جهانی شدن متکثر و متنوع باشد.

در یک جمع‌بندی کلی از منظر گفتمان «جهانی شدن از پایین»، آینده‌ی جمهوری اسلامی تا حدود زیادی با دو مفهوم دموکراسی و بنیادگرایی پیوند داد. در عرصه بین‌المللی نیز می‌توان احتمال داد که دوری یا نزدیکی جمهوری اسلامی با گفتمان بنیادگرایی جایگاه آن را در عرصه جدید بین‌المللی ناظر بر نظم نوین جهانی تعیین خواهد کرد؛ اما جهانی شدن در گفتمان «جهانی شدن از بالا» در سه سطح می‌تواند به منزله‌ی تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران به حساب آید. این تهدیدات عبارتند از: تهدیدات عمومی، تهدیدات امنیتی و تهدیدات هویتی.

در چهارچوب گفتمان «جهانی شدن از بالا» جهانی شدن به مثابه‌ی نوعی تغییر محیط بازی در موارد متعدد به ضرر منافع و امنیت جمهوری اسلامی عمل کرده است. جهانی شدن باعث شده است تا در زمان حاضر حلقه‌های امنیتی داخلی تحت تأثیر رقابت‌های جناح‌های سیاسی در ایران، حلقه‌های منطقه‌ای و حلقه‌های بین‌المللی به همدیگر پیوند بخورند. تداخل و همپوشی این حلقه‌های سه‌گانه می‌تواند به‌عنوان سرمنشأ تهدیدهای کاملاً جدی برای ایران پدیدار شود.

جهانی شدن به همان میزان که تقویت‌کننده و ایجادکننده‌ی امکانات برای توسعه و تولید فرهنگ‌های جدید در سایه‌ی پیشرفت‌های تکنولوژیک است، به همان میزان به علت تفاوت انکارناپذیر جوامع مختلف از لحاظ فرادستری به منابع، محدودیت‌ساز و سلسله‌مراتبی‌تر شده است.

از سوی دیگر هویت انقلابی جمهوری اسلامی بسیار متفاوت از آن چیزی است که جهانی شدن نام گرفته است. این هویت متأثر از گفتمان اسلام انقلابی به رهبری امام خمینی (س) در ایران است که هرگز از سوی کشورهای غربی مورد پذیرش واقع نشده است و به همین دلیل همیشه به مثابه تهدیدی علیه نظام بین‌المللی به حساب آمده است.

جایگاه انقلاب اسلامی در پویای منطقه‌ای در عین حال که برای ایران فرصت‌هایی را فراهم آورده اما موجب تهدیدهای



تصمیم‌گیری است. یکی از معضلات سیاست خارجی جمهوری اسلامی در طی سالیان اخیر آن بوده است که همواره تداخل مفهومی کاربردی میان جنبش انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وجود داشته است. این امر باعث شده است تا در بسیاری از حوزه‌های تصمیم‌گیری در خصوص سیاست خارجی، امنیت ملی و روابط بین الملل مباحث فلسفی، ایدئولوژیکی بر اتخاذ شیوه‌های شفاف و روشن راهبردی غلبه داشته باشد. یکی از راه‌های غلبه بر چنین مشکلی، قاعده‌مند سازی حوزه‌ی تصمیم‌گیری سیاست خارجی است. باید اعتراف کرد که بسیاری از تصمیمات جدی ایران در عرصه‌ی بین‌المللی از قواعد خاصی پیروی نمی‌کند. این امر باعث شده تا نوعی بی‌قاعدگی خصوصاً در مسائل جهانی و منطقی سر برآورد. لذا هر نوع اقدام برای شفاف‌سازی سیاست خارجی باید از قانون اساسی آغاز شود و برای برون رفت از نوعی انزوای سیاسی بین‌المللی که هدف نهایی قدرت‌های سلطه‌جو و دشمنان داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران برای آن است، بازنگری در چارچوب‌های ذهنی و قانونی و رفتارهای خارجی کشور، امری ضروری و یقیناً حیاتی است. واقعیت این است که رویه‌های سیاسی ایران در سال‌های اخیر همچنان تحت تأثیر ادبیات سیاسی دوران جنگ سرد قرار دارد. مفاهیمی چون: عدم سیاست نه شرقی و نه غربی، عدم وابستگی از جمله مواردی هستند که پارادایم مبتنی بر نظام جهانی امروز باید باز تعریف شوند. ایران با توجه به مؤلفه‌های ژئوپولیتیکی، فرهنگی و اجتماعی خود

بی‌شماری نیز شده است که تحولات ناشی از جهانی شدن و ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این‌گونه تهدیدات را پیش از پیش جدی ساخته است. جهانی شدن نه رویدادی تماماً بر فراز دولت‌ها و به مثابه فرصتی برای بازیگران جدید فرا و فراملی برای ارائه‌ی ساختاری جدید و مجازی به جای ساختار سنتی قوام یافته بر دولت - ملت است و نه فرآیندی کاملاً هدایت شده توسط قدرت‌های بزرگ. بنابراین فضای شکل گرفته میان این دو جهانی شدن را باید به عنوان چشم‌اندازی از فرصت و تهدید توأمان تلقی کرد که چگونگی برخورد با آن و با ورود به آن به مؤلفه‌ی نیرومندی همچون «تصمیم‌گیری» بستگی دارد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در طول حیات خود همواره در میان دو مؤلفه‌ی نیرومند «ژئوپولوتیک» و «ایدئولوژی» در نوسان بوده است. جمهوری اسلامی با آگاهی کامل از چنین وضعیتی، در طی بیش از دو دهه گذشته سعی کرده است آن را به نفع رفتارهای خود به کار گیرد. ریشه‌ی اساسی پارادوکس‌های سیاست جمهوری اسلامی را باید در همین مسئله جست. واقعیت این است که رفتارهای معطوف به تجدیدنظر خواهی در سیاست خارجی، ریشه در نوعی رفتار خصمانه‌ی آمریکا و غرب با ایران دارد. اکنون ایران به ناحق بیش از هر زمان دیگری در مظان حضور در گفتمان بنیادگرایی قرار گرفته است. صرف نظر از روندهای جهانی شدن و آنکه این روند چه تأثیری بر ایران دارد، برداشت نخبگان جمهوری اسلامی از جهانی شدن می‌تواند ما را در ارائه‌ی تحلیلی واقع‌بینانه‌تر از آنچه در ایران می‌گذرد، یاری رساند. آنچه در این راستا ضرورت استراتژیک دارد همانا ضرورت

ذاتاً در زمره‌ی کشورهای قرار می‌گیرد که جهانی شدن قبل از آنکه تهدیدی برای آنان باشد موجد فرصت است.

جهانی شدن فرهنگ

از دیدگاه مخالفان، جهانی شدن در عرصه‌ی فرهنگ، به یکدست شدن فرهنگی و سلطه‌ی فرهنگ استکباری غرب منجر می‌شود و در نظر موافقان، در این عرصه تکثر فرهنگی بیشتر رواج یافته و مقاوت‌های فرهنگی مانع از یکدست شدن فرهنگ می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران در برخورد با تهاجم فرهنگی و حاکمیت فرهنگ غربی که در هر صورت از دستاوردهای جهانی شدن فرهنگ و حضور جهانی فرهنگ لیبرال - دموکراسی غرب محسوب می‌شود، می‌تواند با تکیه بر دیدگاه امت محور که منبعث از اسلام و قانون اساسی است، به نقش این ایده در تأثیرگذاری عمیق و شکل‌گیری فرهنگ جهانی اسلامی پرداخت و از آن طریق منزلت فرهنگی ایران را بالا برد. یعنی به لحاظ فکری و نظری به علت ذاتاً جهانی بودن اسلام و نفی مرزهای جغرافیایی و فرهنگی این یک مزیت مهم برای ایران به شمار می‌آید که می‌تواند در صورت عملیاتی کردن آن به نقش جهانی فرهنگ اسلامی و نیز فرهنگ ملی مبادرت ورزد.

گفتگوی تمدن‌ها می‌تواند یک راه حل مناسب برای ایران در تعامل با دیگر جوامع باشد. جهان اسلامی نمونه بسیار عالی از تجربه فرهنگ‌های غیر غربی در عصر مدرن و جهانی شدن را ارائه می‌کند و این امر نشانگر تجربه بسیار طولانی در مقابله با فرهنگ‌های وارداتی و استعماری است.

دولت و فرهنگ انقلاب اسلامی، خودباوری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در انکار عقاید سلطه‌آمیز و فرهنگ لیبرال غرب و در عین حال بهره‌برداری از دستاوردهای ارزشمند، توسعه ابعاد گوناگون حیات انسانی و به‌کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته‌ی صنعتی عینیت بخشیده است و آن را تبلیغ می‌کند.

احیای اسلامی مدل جدیدی در زندگی جوامع اسلامی و دیگر جوامع تحت سلطه‌ی فرهنگ غرب را مطرح می‌سازد و این مدل، زمینه‌ساز تداوم مقاوت در برابر هجوم فرهنگ لیبرال غرب است. تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای که در سال‌های اخیر در ایران روی داده است، بیانگر این واقعیت است که فرهنگ ناب اسلامی عوامل لازم جهت‌نوسازی و دموکراسی‌سازی را در جوامع اسلامی با ارائه‌ی مدل منحصر به فرد (مردم‌سالاری دینی) با خود همراه دارد.

تأکید بر عدالت در تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، آزادسازی سیاسی، تعامل و ارتباط سازنده با فرهنگ غرب و تلاش در جهت تقسیم قدرت، نمونه‌هایی هستند که ارائه‌ی مدل مردم‌سالاری دینی را در برابر لیبرال دموکراسی غربی به عنوان پشتوانه‌ی تهاجم فرهنگ لیبرال به جهان اسلام تقویت می‌کند.

شروط مسلم بقا و حیات فرهنگ‌ها و همزیستی میان آنان در یک فرهنگ جهانی، مقاوت در مقابل فرهنگ و تمدن مهاجم است. در این چارچوب تمدن و فرهنگ اسلامی ضمن تکیه بر ضرورت تکثرگرایی فرهنگی و همزیستی میان تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌های انسانی و تقویت مبانی فرهنگ اجتماعی ملل مسلمان جهت تداوم بقای مستمر و مثبت این ملل در فرآیند جهانی شدن و پیمودن مسیرهای توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی، بر هرگونه ایستادگی و مقاوت در مقابل فرهنگ مهاجم لیبرالیسم غربی تأکید دارد.

جمهوری اسلامی ایران می‌بایستی واقعیت‌های جهانی شدن و فشارهای مربوط به نیروها و جریان‌ات خارجی را در حوزه‌های گوناگون شناسایی کرده و به نوعی با آن واقعیت‌ها به «تعامل سازنده» بپردازد تا بتواند از فرصت‌ها بیشترین بهره‌برداری را کسب کند و از آسیب‌ها کمترین زیان را متحمل شود.

اقتصاد جهانی و راهکارهای استراتژیکی

هرچند جهانی شدن اقتصاد زمینه‌های مناسبی را برای توسعه اقتصادی به وجود می‌آورد، اما بهره‌برداری از این فرصت‌ها مستلزم اصلاح ساختار اقتصادی در جوامع در حال توسعه است.

در این نوشتار ساختار اقتصادی در سه محور آزادسازی اقتصادی، ثبات‌سازی و سیاست‌های مالی دولت دنبال شده است.

آزاد سازی اقتصادی به معنای حرکت نظام اقتصادی به سوی اقتصاد برون‌نگر و بسط تجارت و بازرگانی جهانی است. مهم‌ترین مواردی که در فرآیند آزادسازی باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از: تولید، اشتغال، توزیع درآمد.

در مجموع می‌توان گفت آزادسازی اقتصادی گام مهم در انجام اصلاح ساختاری و از پیش شرط‌های توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم محسوب می‌شود. خلاصه‌ی استدلال این گزاره چنین است که توسعه‌ی اقتصادی مشروط به انباشت سرمایه و دستیابی به ارزش افزوده است. ارزش افزوده از طریق تجارت و بازرگانی خارجی حاصل می‌شود. بنابراین ساختار اقتصادی بایستی به گونه‌ای اصلاح شود که به بسط و توسعه‌ی تجارت خارجی بیانجامد.

بی‌ثباتی اقتصادی به مفهوم عدم تعادل قیمت‌ها و نرخ ارز، ناامنی اقتصادی و سیستم مالیاتی نامناسب، از چالش‌های جدی ساختار اقتصادی جهان در حال توسعه محسوب می‌شود. برخی از نارسایی‌های اقتصادی در جهان سوم، ناشی از ناتوانی و یا کمبود منابع اقتصادی نیست، بلکه عمدتاً ناشی از سیاست‌های اتخاذ شده و عملکرد دولت‌اند که خود نیازمند اصلاح است.

اگر نظام سیاسی حاکم و نخبگان جامعه به هر دلیل نسبت به تجارت آزاد و مبادلات بین‌المللی، نگرش و ذهنیت مساعدی نداشته باشند و یا ساختار سیاسی به گونه‌ای باشد که کلیه‌ی فعالیت‌های



جهانی شدن محورهایی چون آزادسازی اقتصادی، تعدیل سیاست‌های مالی و پولی و بالأخره تدوین استراتژی مناسب توسعه اقتصادی و تغییرات نقش و جایگاه دولت در جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیش فرض‌های توسعه اقتصادی و بهره‌مندی از نظام اقتصادی جهان را به بحث گذاشت.

یکی از مشکلاتی که بر سر راه موفقیت فرآیند توسعه در کشور ما وجود دارد این است که جامعه و نظام سیاسی، شناخت دقیقی از نظام اقتصاد سیاسی جهانی ندارد. شناخت صحیح از اقتصاد سیاسی جهانی این فرصت را ایجاد می‌کند که روند «جهانی شدن» و «تعریف واحد ارائه شده» توسعه در بسترهای متفاوت و بنا بر مورد نیاز به پیش برود.

اجتماعی شهروندان در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد را تحت کنترل و نظارت خود درآورد، حرکت به سوی تجارت آزاد و مبادلات بین‌المللی با دشواری‌های جدی روبرو خواهد شد.

در مورد ایران به نظر می‌رسد با توجه به نظام اقتصادی حاکم، مالکیت اقتصادی ایران بنا به دلایل مختلف و از جمله درآمدهای کلان نفتی دارای نقش پررنگ و گسترده در فعالیت‌های اقتصادی بوده است و در واقع دولت با اتکا به درآمدهای نفتی، نقش مهم‌ترین سرمایه‌گذار را در کشور ایفا کرده است. به گونه‌ای که با افزایش قیمت نفت همواره نقش دولت نیز افزایش یافته است.

مهم‌ترین موانع خصوصی‌سازی عبارتند از:

• فقدان اجماع نظر در میان نخبگان جامعه در زمینه اصل و حدود مالکیت خصوصی و عمومی در ایران

• عدم تفکیک اهداف اجتماعی - فرهنگی از اهداف اقتصادی

خصوصی‌سازی در ایران بیشتر به واگذاری بخش‌های دولتی به مؤسسه‌ها و نهادهای وابسته به دولت نظیر بانک‌ها، سازمان تامین اجتماعی و... انجامیده است. این امر به مفهوم انتقال مالکیت از یک بخش دولتی به بخش دیگر بود.

آزاد سازی اقتصادی و خصوصی سازی (اصلاح ساختار اقتصادی) رابطه‌ی جدی و مستقیم با اصلاح ساختار سیاسی و به ویژه فرهنگ سیاسی و نگرش سیاست‌گزاران و دولت‌مردان دارد.

قوانین و مقررات دست و پاگیر بروکراسی در ایران یکی از عوامل ناکارآمدی نظام اقتصادی است. مباحث این نوشتار ضمن استدلال بر ضرورت اصلاحات اقتصادی و سیاسی ساختاری در تعامل یا فرآیند



خصوصی‌سازی در ایران

بیشتر به واگذاری بخش‌های

دولتی به مؤسسه‌ها و نهادهای

وابسته به دولت نظیر بانک‌ها،

سازمان تامین اجتماعی و...

انجامیده است. این امر به مفهوم

انتقال مالکیت از یک بخش

دولتی به بخش دیگر بود.

آزاد سازی اقتصادی و

خصوصی سازی (اصلاح

ساختار اقتصادی) رابطه‌ی

جدی و مستقیم با اصلاح

ساختار سیاسی و به ویژه

فرهنگ سیاسی و نگرش

سیاست‌گزاران و دولت‌مردان

دارد.

نقد و ارزیابی

• کتاب حاضر اثری است که با سبک و سیاق آثار پژوهشی نگاشته شده است، لذا کتابی است مفید و خواندنی که برای پژوهشگران و طلاب علم، منبع ارزشمندی محسوب می‌شود.

• دست‌یابی آسان به مباحث و مطالب کتاب به دلیل بخش‌بندی و فصل‌بندی منسجم و موزون آن مزیت ویژه کتاب است.

• انتخاب موضوع کتاب «انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی در بازتاب فرآیند جهانی شدن» به دلیل تازگی و مبتلا شدن جامعه به «همسویی، تقابل و تعامل» با جهانی شدن از دیگر ویژگی‌های مثبت کتاب است.

• استفاده‌ی بهینه و گسترده از منابع و مأخذ موجود در این زمینه با حجمی نسبتاً متعادل این اثر را به مراتب پربارتر کرده است.

• هر فصل از کتاب در عین اینکه دنباله منطقی فصل پیشین است، خود به تنهایی می‌تواند موضوع یک اثر مستقل باشد.

• از دیگر مزیت‌های کتاب، ارائه‌ی نتیجه‌گیری و خلاصه‌ی

هر فصل در پایان آن فصل است. ضمن اینکه در پایان کتاب نیز نتیجه‌گیری و خلاصه‌ی کاربردی کل اثر را ارائه داده است.

• ارائه‌ی راهکارهایی برای «همسویی، تقابل و تعامل» با جهانی شدن، در هر یک از حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی، یکی دیگر از مزیت‌های کتاب حاضر است. ضمن اینکه این امر برای تصمیم‌گیرندگان می‌تواند مورد استفاده و استناد قرار گیرد.

نقد

از بعد شکلی اشکالاتی چند به نظر می‌رسد:

• وجود غلط‌های املائی و عدم بازبینی مجدد کتاب و رفع آن‌ها و یا لاقلاً ارائه‌ی غلط نامه (که قبلاً بیشتر متداول بود).

• برخی واژه‌ها که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی نامأنوس شناخته شده (در رابطه با صفحه ۱۲۰) وجود کلمات بی مورد صفحه ۲۴، جملات نامفهوم و... از دیگر اشکالات کتاب است.

• وجود جملات مطول که گاه یک پاراگراف را شامل می‌شود (صفحه ۲۷).

• عدم دقت در ویراستاری فنی مثلاً در صفحه ۴۰۱ در صورتی که ویرگول در بین کلمات منابع و محدودیت‌ساز وجود نداشته باشد، جمله قابل درک نیست. «... جوامع مختلف از لحاظ دسترسی به منابع محدودیت‌ساز و سلسله‌مراتبی‌تر شده است». البته از این‌گونه موارد در کتاب زیاد است.

• عدم استفاده صحیح از رسم الخط معیار و عدم رعایت جدانویسی مانند: امکانپذیر، بدرستی آنطور، صورت بندی، فهمها و...، که این مورد هم در کتاب فراوان است.

از بعد محتوایی

• در صفحه ۲۴ آورده است: «در این راستا تذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در این نوشتار، جهانی شدن به هیچ وجه به عنوان یک معجزه و درمانی برای همه‌ی دردها تلقی نمی‌گردد» اولاً: چه کسی این ادعا را دارد. ثانیاً: چه کسی این انتظار را داشته است. ثالثاً: از محتوای کلام چنین برمی‌آید که جهانی شدن به عنوان یک معجزه برای بعضی دردها تلقی می‌شود.

• در صفحه ۲۴ آمده است: «هنوز در دنیای در حال جهانی شدن فقر بیداد می‌کند...». اولاً: کدام کشورها؛ بهتر بود نام آن‌ها ذکر می‌شد. ثانیاً: این ادعا نیاز به کار پژوهشی دارد تا ثابت شود آیا فقر موجود در این‌گونه جوامع به دلیل جهانی شدن است یا علت دیگری دارد. ثالثاً: آیا واقعاً در این کشورها فقر بیداد می‌کند؟ با کدام معیار و با چه تعریفی از فقر و با کدام داده آماری و اطلاعات؟

• در صفحه ۲۶ آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران نحوه‌ی

مواجهه با ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهانی شدن را متناسب با توانمندی‌های خود، به‌گونه‌ای هدایت خواهد کرد که از فرصت‌ها بیشترین بهره‌مندی را کسب کرده و در برخورد با چالش‌ها، کمترین هزینه را پرداخت نماید». آیا این مطلب آرزوی نویسنده است یا انتظار دارد که چنین امری اتفاق بیفتد و یا این که نوعی پیش‌گویی است؟ در حالی که در ادامه نوشتار عکس این قضیه برداشت می‌شود که اینک در صفحه ۳۹ می‌گوید: «جهانی شدن یکی از شگرف‌ترین پدیده‌هایی است که جمهوری اسلامی را با چالش‌های اساسی روبه‌رو ساخته است».

• با این که یکی از روش‌های مؤلف استفاده از داده‌های آماری است، استفاده از این داده‌ها در کتاب محدود به یک فصل است.

• در صفحه ۲۸ ابتدای پاراگراف دوم می‌نویسد «این نکته تقریباً اساس بحث...». در حالی که مطالب قبل با قاطعیت این رهیافت‌ها را در رفتار قدرت‌های بزرگ اثبات کرده است با توجه به این امر باید به جای تقریباً واژه تحقیقاً را به کار برد.

• ترکیب انقلاب مدرن در مورد انقلاب اسلامی که در صفحه ۳۰ و ۳۸ آمده به چه معنا است؟ مدرن به معنی جدید است یا نوعی صفت با بار معنایی مثبت برای انقلاب؟ آیا بدین معنی است که انقلابی است که در جهان مدرن رخ داده است؟ و مشخص نیست با کدام معیار این انقلاب به وصف مدرن موصوف می‌شود؟

• در صفحه ۳۹ آورده است: «انقلاب ایران در حالی که از یک سو از مؤلفه‌های جهانی شدن سود جسته...». از کدام مؤلفه‌ها؟ و چگونه؟ و به چه میزان؟ ضمن این که در صفحه ۴۴ می‌نویسد: دهه‌ی هشتاد را باید دهه‌ی آغاز جهانی شدن نامید»، در حالی که انقلاب اسلامی دهه‌ی ۷۰، به پیروزی رسید.

• در صفحه ۱۲۶ آورده است: «سومین مشکلی که بر سر راه موفقیت فرآیند توسعه در کشور ما وجود دارد، این است که جامعه و نظام سیاسی ما شناخت دقیقی از نظام اقتصادی سیاسی جهانی ندارد». این امر بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا با وجود این همه کارشناسان امور اقتصادی و بین‌المللی، نمی‌توان قاطعانه گفت که شناختی در این باره وجود ندارد.

• به نظر می‌رسد بعضی مطالب با وجود اهمیت بیشتر در امر جهانی شدن، حجم کمتری را به خود اختصاص داده است مثل: جهانی شدن و فرهنگ. در حالی که بحث صندوق بین‌المللی پول حجم بیشتری یافته است.

• به نظر می‌رسد این دو مطلب با هم تناقض داشته باشند. در صفحه ۷۲ می‌گوید: «تجربه‌ی انقلاب اسلامی، راه‌گشای دستیابی به توسعه و نوگرایی اما به سبکی متفاوت و متمایز از مدرنیسم غربی تلقی می‌شود» و «انقلاب اسلامی... راهکارهای رقیب یا بدیل در توسعه... پیش‌رو قرار می‌دهد».